

سنجش رابطه ابعاد پنج گانه بیگانگی با رضایت از زندگی (مورد مطالعه شهروندان بالغ تهرانی)

سیده معصومه غفوری کله^{۱*}، علیرضا محسنی تبریزی^۲

۱- دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

بیگانگی در ابعاد مختلف آن یکی از آسیب‌های اجتماعی است که عوامل مختلفی در ایجاد و گسترش آن تاثیر گذارند. یکی از متغیرهایی که می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد رضایت از زندگی است. از اینرو با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله به تبیین جامعه-شناختی تاثیر رضایت از زندگی در دو بعد فردی و اجتماعی بر ابعاد بیگانگی پرداخته شده است. روش پژوهش پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل شهروندان بالغ شهر تهران است که از این جامعه ۳۸۴ نفر انتخاب شده‌اند. در این پژوهش اشکال بیگانگی بر اساس نظریه سیمن در پنج بعد احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خویشتن بررسی شده است. رضایت از زندگی نیز در دو بعد رضایت از زندگی فردی و رضایت از زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که در میان ابعاد بیگانگی، احساس بی‌قدرتی بیشترین میانگین را در میان جامعه مطالعاتی به خود اختصاص داده است. رضایت از زندگی با تمامی ابعاد بیگانگی رابطه معنی دار و معکوس داشته و بیشترین همبستگی

میان احساس بی‌معنایی و رضایت از زندگی وجود داشته است (۵۷/۰-). همچنین در خصوص سطوح رضایت از زندگی، بیشترین همبستگی میان رضایت از زندگی فردی با احساس بی‌معنایی (۵۵/۰-) و بیشترین همبستگی رضایت اجتماعی نیز با احساس بی‌هنجاری (۳۷/۰-) نشان داده شده است. در میان متغیرهای زمینه‌ای نیز میان وضعیت فعالیت و رضایت از زندگی رابطه معنی‌دار به دست آمد ولی سایر متغیرهای زمینه‌ای با رضایت از زندگی رابطه معنی‌دار نداشته‌اند. ضریب تعیین به دست آمده متغیر علت (رضایت از زندگی) حدود ۱۴ درصد از تغییرات متغیر تابع (ابعاد بیگانگی) را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رضایت از زندگی، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خویشتن

مقدمه و بیان مسأله

یک جامعه سالم نیازمند انسان‌هایی است که علاوه بر نگرش مثبت نسبت به حوزه‌های مختلف اجتماعی، به قوانین و هنجارهای موجود پایبند بوده و در فعالیت‌های مختلف جامعه که منجر به بقاء حیات، پیشرفت و توسعه آن می‌گردد مشارکت فعال داشته باشند. بی‌تردید در نگرش و رفتار افراد یک نظام اجتماعی عوامل مختلفی تاثیرگذار هستند که از جمله می‌توان به میزان رضایت از زندگی^۱ اشاره نمود. رضایت از زندگی یک ارزیابی کلی از زندگی را فراهم می‌کند که بازتاب افکار، شرایط و توانایی‌هاست (وینهون^۲، ۲۰۰۳: ۱۲۹).

می‌توان گفت تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی ریشه در رضایت از خود، جامعه و به طور کلی شرایط زندگی وی دارد. عواطف مثبت در مورد شرایط خود اگر چه عنصری ذهنی است، ریشه در شرایط عینی دارد. مولفه‌های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل و ارزیابی ذهنی او از شرایط خود و جامعه در مقایسه با دیگران است. چنانچه ارزیابی فرد از اوضاع شخصی یا زندگی خود به نتایج منفی بینجامد، این احساس منفی در همان بخش محدود نمی‌ماند و بسیاری از رفتارها و گرایش‌های فرد به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی را

1 Life satisfaction

2 Veenhoveen

تحت تاثیر قرار می دهد (علی بابایی و باینگانی، ۱۳۹۰: ۱۸). در واقع رضایت از زندگی، یک فرایند داوری است که افراد، کیفیت زندگی خود را براساس ملاک‌های منحصر به فرد خود ارزیابی می کنند. رضایت از زندگی، یک صفت پایدار و عینی نیست، بلکه به تغییرات موقعیتی، حساس بوده و بر اساس برداشت و دیدگاه خود افراد در نظر گرفته می شود (شیخی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹).

بررسی‌های تجربی در مورد رضایت از زندگی و به دنبال آن در چارچوبی گسترده‌تر بهزیستی فاعلی از اوایل قرن بیستم شکل گرفتند (بیانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۰) و اخیراً این موضوع مورد علاقه جامعه‌شناسان و سایر رشته‌های مرتبط با توسعه قرار گرفته است. می توان گفت افراد زمانی از زندگی رضایت دارند که به لحاظ زیستی، روانی، اقتصادی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشند و رضایت از زندگی نقش موثری در تکوین یا تغییر رویکردهای توسعه و برنامه‌ریزی اجتماعی دارد (محسنی تبریزی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

بی تردید عدم رضایت از زندگی می تواند پیامدها و آسیب‌هایی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی داشته باشد. کمرنگ شدن تعهد افراد به نظام ارزشی، افزایش تنش‌ها و مشکلات رفتاری، ناامیدی، اضطراب، کاهش روحیه مشارکت جویی، تعاون و... همه از جمله مسائلی است که می تواند به دنبال عدم رضایت از زندگی ایجاد گردد. در این رابطه یکی از آسیب‌هایی که می تواند بر اثر نارضایتی از زندگی مورد توجه قرار گیرد بیگانگی در ابعاد مختلف آن است.

بیگانگی به مفهوم عام آن از نظر بعضی جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی برای تبیین برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریان‌ات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی و تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصال فرد از نظام ارزشها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی و همچنین در اشاره به انفعال، بی‌علاقگی و عدم مشارکت اجتماعی - سیاسی به کاربرده می شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). ابعاد مختلف بیگانگی همچون احساس بی‌قدرتی، احساس انزوای اجتماعی، احساس پوچی و بی‌معنایی، احساس بی‌هنجاری و احساس تنفر از خویش‌ها به عنوان انواعی از آسیب‌های اجتماعی می تواند تحت تاثیر میزان رضایت فرد از زندگی قرار گیرد.

بیگانگی می‌تواند موجب توقف رشد و پویایی فرهنگی، از هم پاشیدگی ساخت اجتماعی، سوء انسجام اجتماعی و ... شود که همه این موارد تداوم حیات جامعه را به خطر می‌اندازد. در یک جامعه بیگانه که در آن نظام کنش اجتماعی مختل است، افراد دچار بی‌قدرتی شده، دایره‌های تعهد و انسجام اجتماعی کوچ شده، افراد جز به منافع فردی فکر نمی‌کنند، توجهی به زندگی و عمل خود ندارند و دچار بیزاری فرهنگی شده و هیچ گاه به توسعه نمی‌رسند (حسین زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۹). با توجه به پیامدهای بیگانگی در سطح فردی و جمعی توجه به این موضوع و عوامل موثر بر آن ضرورت می‌یابد.

از اینرو در این مقاله به بررسی تاثیر رضایت از زندگی در دو سطح فردی و اجتماعی بر اشکال بیگانگی پرداخته شده است.

پیشینه تجربی

رضایی. مریم و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم آباد»، نشان دادند ارتباط معنی‌دار و معکوس بین رضایت اجتماعی با میزان بیگانگی اجتماعی وجود دارد. نتایج پژوهش ابراهیمی لویه. عادل و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن»، بیانگر آن است که در بین عوامل مطالعه شده، عامل مربوط به نارضایتی اجتماعی و فردگرایی بیشترین سهم را در به وجود آوردن بیگانگی به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های پژوهش توفیق‌یان فر. علی حسن و حسینی. سید احمد (۱۳۹۱)، با عنوان «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)» نشان داد که بین متغیر میزان رضایت از زندگی و بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. نتایج پژوهش رسولی. زهره (۱۳۸۵)، با عنوان «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن» نشان داد رابطه معنی‌دار بین متغیر رضایت اجتماعی و بیگانگی اجتماعی وجود دارد. کوووما-هانکان^۱ و همکاران (۲۰۰۱) یک فراتحلیل در زمینه رضایت از زندگی انجام دادند و دریافتند که رضایت کمتر از زندگی با خطر بالاتر خودکشی همبسته است، حتی وقتی متغیرهایی چون

سن، جنس، وضعیت سلامت پایه و مصرف الکل کنترل شود مردان ناراضی از زندگی در مقایسه با زنان ناراضی، ۲۵ بار بیشتر در معرض خطر خودکشی قرار دارند (کوووما-هانکانن، ۲۰۰۱؛ به نقل از بخشی پور و دیگری، ۱۳۸۴). نتایج تحقیق بالاچاندران^۱ و دیگران (۲۰۰۷) با عنوان «رضایت از زندگی و بیگانگی زنان و مردان سالمند» حاکی از آن است که مردان سالمند بیش از زنان سالمند بیگانگی را تجربه می کنند در حالی که تفاوت معناداری در سطح رضایت از زندگی در بین دو گروه مشاهده نشده است. اوسین^۲ (۲۰۰۹) در تحقیق خود دریافت که رضایت از زندگی با بیگانگی و همچنین با برخی از ابعاد آن مثل (از خود بیگانگی از خانواده، بی قدرتی، پوچ گرای و عدم فعالیت متمرکز و بی حرکتی) رابطه منفی معناداری دارد. تانوجیا^۳ (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی میزان از خود بیگانگی و رضایت از زندگی مردان و زنان سالمند دو شهر کاتاک و بابانسوار پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که زنان سالمند بیش از مردان سالمند احساس بیگانگی نشان می دهند در حالی که مردان سالمند بیشتر از زندگی خود رضایت دارند.

بررسی پژوهش های انجام شده نشان می دهد تا کنون پژوهشی با جامعه نمونه تحقیق حاضر در این موضوع انجام نشده است. از سویی در این پژوهش رضایت از زندگی در دو سطح فردی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین در تحقیقات گذشته ابعاد بیگانگی نظریه سیمن در قالب موضوعات بیگانگی مورد بررسی قرار گرفته است در حالی که در نظریه سیمن حالات بیگانگی مطرح شده و در این مقاله نیز تحت عنوان ابعاد بیگانگی بررسی شده است.

پیشینه نظری

مرتون^۴: یکی از تئوری هایی که در سطوح مختلف و متعدد در جهت بررسی نارضایتی مورد استفاده قرار می گیرد تئوری محرومیت نسبی است. از نظر مرتون احساس محرومیت در نتیجه مقایسه با مرجع برای فرد پدید می آید اما نارضایتی در پی غلبه احساس محرومیت نسبی

1 Balachandran

2 Osin

3 Tanuja

4 Merton

بر فرد بروز می‌کند. هر چه فاصله بین انتظارات (یا احساس نیاز) و امکانات ارضاء نیاز بیشتر باشد، احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی بیشتر می‌شود (صفدری، ۱۳۷۴: ۳۱). در واقع وی به شکاف بین اهداف از یک طرف و وسائل مشروع برای دستیابی به این اهداف از طرف دیگر اشاره می‌نماید. از نظر مرتون انحراف در پی شکاف بین انگیزه‌های اصلی ارزشها و نیازهای منبعث از فرهنگ و امکانات تحقق این انگیزه‌ها به وجود می‌آید (رفیع پور، ۱۳۸۸، ۲۶). در این دیدگاه انسانها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به‌عالی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۵). اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد (گار، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

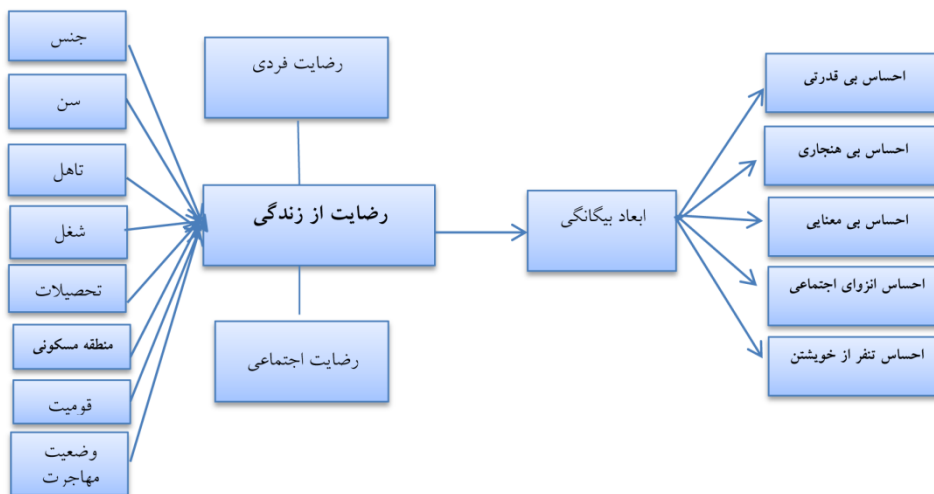
اینگلهارت^۱: از نظر اینگلهارت انسان موجودی هدفمند است و همیشه در پی ارزیابی از وضعیت زندگی خود است و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد احساس رضایت نمی‌کند. شاید به جرات بتوان گفت نهایت آمال هر انسانی، تحقق اهداف و آرزوهایش است. البته سطح اهداف و آرزوهای ریشه در شرایطی دارد که فرد در کنش متقابل با دیگران و وضعیت موجود به دست می‌آورد (اینگلهارت؛ ۱۳۷۳: ۳۳). از نظر اینگلهارت، سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد، موجب می‌شود که شخص، به احتمال زیاد، نظام ساختار موجود را نپذیرفته و دچار حالت آنومی و بیگانگی اجتماعی شود. رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود و در نهایت، اعتماد به یکدیگر، همگی به هم وابسته بوده، نشانه‌های نگرش‌های مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۲۰-۸۸). به نظر اینگلهارت احساس

رضایت از زندگی در نتیجه توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید (رنکین کمان، ۱۳۸۶: ۳). زمانی که وضعیت فرد با آرزوها و توقعاتش تطبیق می‌یابد، به فرد احساس رضایت بالا دست می‌دهد، زمانی که فرد در یافتن این تطابق دچار مشکل می‌شود، احساس نارضایتی و ناخشنودی می‌کند و تا زمانی که به تطابق نرسد، این احساس در او باقی خواهد ماند (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۹). از نظر اینگلهارت اساساً هر پاسخی تا حدی متأثر از محیطی است که در آن پرسیده می‌شود و این سؤال هم استثناء نیست. پاسخ‌ها هم بازتاب نوسان‌های کوتاه مدت (ناشی از رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و هم بازتاب عامل بلندمدت فرهنگی هستند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۰).

فردینبرگ^۱: فردینبرگ رضایت اجتماعی را با احساس بیگانگی افراد در ارتباط قرار داده و مثبت نبودن نتیجه یک عمل را به عنوان نارضایتی تلقی می‌کند. به نظر وی بیگانگی افراد نسبت به مسائل اجتماعی تحت تأثیر میزان رضایت اجتماعی است (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۰۱). فردینبرگ در تحقیقات خود در باب بیگانگی نسل جوان بر این فرض کلی تأکید دارد که فرد نارضایتی خود را به صورت رفتار منفصلانه و ناسازگارانه در قبال ارزش‌ها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادی شده بروز می‌دهد و در مقابل آن ژستی دفاعی می‌گیرد که با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی‌تفاوتی همراه است. از عوامل دیگری که در بروز بیگانگی دخیل‌اند مفهوم فردیت و هتک شخصیت فردی، مشغله فکری به خصوص سروکار داشتن مفرط با مفاهیم تجریدی انتزاعی و نیز غلبه ارزش‌ها و احساسات گروه بر ارزش‌ها و عواطف فرد است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۶۹). بدین ترتیب فردینبرگ نارضایتی را هم علت بیگانگی و هم عامل مهم بروز رفتارهای ناسازگارانه، ضد جامعه و از هم گسیخته‌ای نظیر وندالیسم می‌داند. در واقع وندالیسم و رفتارهای مشابه آن از نظر فردینبرگ نشانه تنفر و نیز واکنش نامطبوع فرد به شرایط بیرونی و بازمینی نامعقول نظام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مسلطی است که فرد آن را غیرمنصفانه و تبعیضی می‌داند؛ این هنجارها هم علت خودباختگی و هم مانع تحقق و شکوفایی نیازها و استعدادها می‌نهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

کریزبرگ^۱: بر مبنای نظر کریزبرگ رضایت یا نارضایتی از بخشی از زندگی به سایر بخش‌های زندگی تعمیم یافته و آن بخش را نیز متأثر می‌نماید. بر مبنای تئوری سرایت، باید انتظار داشت افرادی که در یک زمینه محروم می‌شوند بدون جبران و اصلاح رضایت در آن بخش، نارضایتی خود را از یک محدوده به محدوده دیگر تعمیم خواهند داد. به عنوان مثال نارضایتی از ارضاء نیازها باعث خواهد شد تا سایر بخش‌های زندگی از جمله شغل، درآمد و... را نیز متأثر نموده و به سوی نارضایتی از آن بخش‌ها سوق یابد. در مقابل رضایت یک بخش از زندگی مانند درآمد باعث خواهد شد تا این خشنودی سایر ابعاد زندگی فرد را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی خشنودی از آن بخش‌ها در فرد به وجود بیاورد و بیان می‌دارد که شخصی که در یک زمینه از زندگی خود ناراضی است به دنبال کسب رضایت در زمینه‌های دیگر زندگی برمی‌آید (صفدری، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۸). در این مقاله از نظریات فردینبرگ و اینگلهارت برای بررسی تاثیر میزان رضایت از زندگی بر اشکال بیگانگی استفاده شده است.

مدل تحقیق



فرضیات تحقیق

فرضیه ۱- به نظر می‌رسد با افزایش میزان رضایت از زندگی، بیگانگی در ابعاد مختلف آن در جامعه مطالعاتی کاهش یابد.

فرضیه ۱-۱- به نظر می‌رسد با افزایش میزان رضایت از زندگی فردی، بیگانگی در ابعاد مختلف آن در جامعه مطالعاتی کاهش یابد.

فرضیه ۱-۲- به نظر می‌رسد با افزایش میزان رضایت اجتماعی، بیگانگی در ابعاد مختلف آن در جامعه مطالعاتی کاهش یابد.

فرضیه ۲- متغیرهای فردی و زمینه‌ای همچون سن، جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل، منطقه مسکونی وضعیت مهاجرت و قومیت با میزان رضایت از زندگی رابطه دارند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها:

ابعاد بیگانگی

احساس بی‌قدرتی^۱:

تعریف نظری: زمانی که فرد احساس می‌کند از نظارت کمتری برای کنترل رویدادها و حوادث به وجود آمده برخوردار است در این صورت آن فرد دچار احساس نوعی بی‌قدرتی می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴).

تعریف عملیاتی: بی‌قدرتی توسط ۴ گویه «احساس می‌کنم تسلط چندانی بر زندگی خود ندارم - من در برخورد با مشکلات بیشتر اوقات احساس ناتوانی می‌کنم - احساس می‌کنم که از دیگران عقب‌تر هستم - من قادر نیستم به اهداف مورد نظرم در زندگی برسم» سنجیده شده است.

احساس بی‌معنایی^۱:

تعریف نظری: در صورتی که مسائل اجتماعی و فردی برای افراد یا فرد به خصوصی غیرقابل درک باشد در این صورت فرد دچار احساس بی‌معنایی نسبت به مسائل پیرامون خود می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸).

تعریف عملیاتی: احساس بی‌معنایی از طریق ۵ گویه «بعضی اوقات احساس می‌کنم که این دنیا معنی و مفهومی ندارد- من کمتر در شرایط فعلی زندگی‌ام احساس روزمرگی می‌کنم- داشتن هدف و آرمان برای من در زندگی چندان معنایی ندارد- آینده زندگی‌ام برای من روشن نیست و نمی‌توانم به آن مطمئن باشم- آینده جامعه را تیره و تاریک می‌بینم» مورد سنجش قرار گرفت.

احساس بی‌هنجاری^۲:

تعریف نظری: احساس بی‌هنجاری وضعیتی است که طی آن فرد با سطح بالایی از انتظار این را بر خود متصور می‌دارد که نزدیک شدن به اهداف مورد دلخواه، تنها در گرو اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نیستند (سیمن؛ ۱۹۵۹: ۷۸۸ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸).

تعریف عملیاتی: احساس بی‌هنجاری به وسیله ۵ گویه «قانون باید رعایت شود حتی اگر عواقب خوبی برای ما نداشته باشد- برای رسیدن به اهداف شخصی می‌توان قانون را نادیده گرفت و هر کاری انجام داد- من قوانین مدون جامعه را نمی‌پذیرم و اعتقادی به رعایت آن ندارم- در اجرای قوانین بین مردم و مسوولان یکسان برخورد نمی‌شود- در جامعه ما هر کسی برای خود قانونی دارد» سنجیده شده است.

1. Feeling of meaninglessness
2. Feeling of normlessness

احساس انزوای اجتماعی^۱:

تعریف نظری: احساسی که فرد دارد در مورد اینکه از محدوده مقبولیت اجتماعی طرد و به کنار زده می‌شود. به عبارتی فرد از متن اجتماع و ارزش‌های حاکم در آن منفک می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸).

تعریف عملیاتی: احساس انزوای اجتماعی به وسیله ۵ گویه «اغلب زمانی که با دیگران هستم احساس تنهایی می‌کنم-زمانی که به هر دلیلی دچار مشکل می‌شوم، می‌توانم روی کمک دیگران حساب کنم-بیشتر اوقات دوست دارم تنها باشم-در جمع و اجتماعات مختلف تمایلی به تعامل با افراد ندارم-من هنجارها و ارزش‌های اجتماعی جامعه فعلی را تحت هر شرایطی رعایت می‌کنم» مورد سنجش قرار گرفت.

احساس تنفر از خویشان^۲:

تعریف نظری: جدایی از خود یا تنفر از خود به احساسی اطلاق می‌شود که بنابراین میزان و درجه هر رفتاری مطابق پاداش‌های مورد انتظار در آینده تبیین می‌شود (سیمن، ۱۹۷۵: ۹۳-۹۴).

تعریف عملیاتی: تنفر از خویشان توسط ۴ گویه «من نسبت به خودم چندان نظر مثبتی ندارم-گاهی اوقات احساس می‌کنم شخصیت فعلی‌ام را دوست ندارم-خود را انسان مفیدی می‌دانم-از شرایط زندگی خود متنفرم» سنجیده شده است.

رضایت از زندگی

تعریف نظری: پات^۳ و دینر^۴ رضایت از زندگی را بعنوان فرایندهای قضاوتی تعریف کرده‌اند که در آن افراد کیفیت زندگی شان را براساس مجموعه‌ای از معیارهای منحصر به فردشان ارزیابی می‌کنند. این تعریف نشان می‌دهد که رضایت از زندگی هدف دائمی برای

-
1. Feeling of social isolation
 2. Feeling of estrangemen
 - 3 Paut
 - 4 Diner

فرد نیست، بلکه نسبت به تغییرات زمینه‌ای حساس است و از دیدگاه و نقطه نظرات خود پاسخگویان مورد ارزیابی و توجه قرار می‌گیرد (سوامی^۱ و چامرو^۲، ۲۰۰۸: ۲۵).
فلس^۳ و پری^۴ (۱۹۹۶) رضایت از زندگی را به عنوان یک احساس نیک تعریف می‌کنند که شامل ارزیابی قابل مشاهده و درونی از احساسات نیک مادی، جسمانی و اجتماعی است که به وسیله مجموعه‌ای منحصر به فرد از ارزش‌ها اندازه‌گیری می‌شود (شیرمحمدی و دیگری، ۱۳۸۹: ۶۵).

تعریف عملیاتی: رضایت از زندگی در دو بعد فردی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. رضایت فردی از طریق ۱۲ گویه سنجیده شده است که شامل «از رابطه‌ای که با خانواده‌ام دارم خوشحالم- از نظر مالی در سطح مناسبی قرار دارم و تامین هستم- زندگی‌ام توام با عشق و شادی است- امیدها و آرمان‌هایم با توجه به شرایط زندگی‌ام دست‌یافتنی است- من از همسایه‌ها رضایت دارم- من از محل سکونت خود راضی هستم- من از وضعیت سلامتی خود راضی هستم- من از زندگی‌ام راضی هستم- تاکنون هر چیز مهمی را که در زندگی خواسته‌ام به دست آورده‌ام- من از منزلی که در آن سکونت دارم راضی هستم- من از شغلی که دارم رضایت دارم- کسانی که در زندگی‌ام اهمیت دارند چندان توجهی به من نمی‌کنند». است.
رضایت اجتماعی از طریق ۶ گویه سنجیده شد که عبارتند از: «از زندگی در ایران راضی هستم- از عملکرد مسوولان نظام رضایت ندارم- شهروندان کشورم را دوست دارم- شرایط اجتماعی در ایران برای یک زندگی خوب مناسب نیست- امکانات رفاهی در جامعه ما برای یک زندگی مناسب به حد کافی وجود دارد- من از امنیت و آرامشی که در کشور حاکم است رضایت دارم».

1 Swami
2 Viren
3 Felse
4 parry

روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق و ماهیت مسئله از روش پیمایش^۱ به عنوان روشی بنیادی و مرسوم در مطالعات اجتماعی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را همه شهروندان بالغ تهرانی (بالای ۱۵ سال) تشکیل می‌دهد که بر طبق سرشماری ۱۳۹۰، تعداد آن ۶۳۱۴۲۹۷ نفر است. در این تحقیق از میان جامعه آماری عنوان شده با استفاده از فرمول کوکران نمونه ای با حجم ۳۸۴ نفر انتخاب شده است.

$$n = \frac{i^2 pq}{d^2} \quad n = \frac{(1.96)^2 (0.5 \times 0.5)}{(0.03)^2} = 384$$

$$1 + \frac{1}{N} \left(\frac{i^2 pq}{d^2} - 1 \right) \quad 1 + \frac{1}{6314297} \left(\frac{(0.5)^2 (0.5 \times 0.5)}{(0.03)^2} - 1 \right)$$

در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است: ابتدا شهر تهران به ۵ منطقه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد (نمونه‌گیری خوشه‌ای ساده) - انتخاب منطقه و یک یا دو بلوک در آن منطقه از بین همه بلوک‌ها (نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم) - انتخاب خانوار در داخل بلوک‌های انتخاب شده به روش نمونه‌گیری سیستماتیک - انتخاب یک فرد واجد شرایط داخل هر خانوار به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده.

جدول ۱- تعداد نمونه‌ها به تفکیک هر منطقه و حوزه

نام حوزه	تعداد جامعه آماری	مناطق انتخاب شده	جمعیت هر منطقه	سهم هر منطقه	حجم نمونه حوزه	نمونه هر منطقه
شمال	۵۷۵۰۲۲	۱	۳۲۳۳۷۴	٪۹	۳۵	۳۵
جنوب	۱۱۳۰۵۳۲	۱۶	۲۲۹۳۵۲	٪۱۸	۶۹	۳۳
		۱۸	۲۴۶۲۷۰			۳۶
شرق	۲۰۶۲۴۳۲	۴	۶۶۶۲۷۰	٪۳۳	۱۲۵	۵۷
		۸	۳۱۲۳۷۸			۲۷
		۱۵	۴۹۸۵۸۴			۴۲
غرب	۱۳۹۹۱۶۲	۲	۵۱۹۷۸۴	٪۲۲	۸۵	۴۱

۴۴			۵۵۴۹۰۹	۵		
۳۶	۷۰	٪۱۸	۲۰۷۷۳۱	۶	۱۱۴۷۱۴۹	مرکز
۳۴			۱۹۸۷۴۰	۱۲		
۳۸۴	۳۸۴	٪۱۰۰	۳۵۷۷۶۱۸	-	۶۳۱۴۲۹۷	جمع

روایی و پایایی مقیاس‌ها

مسئله اعتبار^۱ به منظور دست‌یابی به این که ابزار سنجش چه چیزی را می‌سنجد و تا چه اندازه از لحاظ سنجش موضوع کارا بوده است، اهمیت می‌یابد. برای بررسی میزان اعتبار، معیارهای زیادی وجود دارد: ۱- اعتبار ظاهری، ۲- اعتبار مرتبط با معیار، ۳- اعتبار محتوا و ۴- اعتبار سازه‌ای. که در این پژوهش نیز سنجش متغیرها به اعتبار صوری به طور خاص، بر تائید اهل فن و صاحب‌نظران تکیه شده است. مسئله دیگر، موضوع پایایی^۲ می‌باشد. یکی از روش‌های تعیین میزان پایایی گویه‌ها، روش آزمون آلفا کرونباخ است. در آزمون مقدماتی^۳، از طریق ۳۰ پرسشنامه گویه‌ها مورد آزمون پایایی قرار گرفتند.

جدول ۲- ضریب پایایی مقیاس‌ها

متغیر	تعداد گویه	سطح سنجش	آلفا
احساس بی‌قدرتی	۴	ترتیبی	۰۷۱۰
احساس بی‌معنایی	۵	ترتیبی	۰۶۳۷
احساس بی‌هنجاری	۵	ترتیبی	۰۷۸۳
احساس انزوای اجتماعی	۵	ترتیبی	۰۶۲۱
احساس تنفر از خویشان	۴	ترتیبی	۰۸۸۴
رضایت از زندگی فردی	۱۲	ترتیبی	۰۸۵۶
رضایت اجتماعی	۶	ترتیبی	۰۷۱۹

- 1 . Validity
- 2 . Reliability
- 3 . Pre Test

جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته به عنوان عمده‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در مطالعات اجتماعی با روش پیمایش استفاده شده است. پرسشنامه تنظیمی متشکل از ۴۱ سوال و گویه در شکل سوالات بسته و در فرم مقیاس لیکرت است.

یافته‌های تحقیق

الف- ویژگی‌های فردی و جمعیتی پاسخگویان:

۴۹/۵ درصد جامعه مطالعاتی را مردان و ۵۰/۵ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین ۳۵/۹ درصد نمونه مطالعاتی مجرد و ۵۵/۷ درصد متأهل بوده، ۳/۶ درصد همسر جدا شده و ۴/۷ درصد همسر فوت شده هستند. بیشترین درصد پاسخگویان با اندکی تفاوت با سایر گروه‌های سنی در رده سنی ۴۱-۵۳ سال قرار داشته است با ۲۷/۳ درصد. ۵۹/۷ درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۴۰/۱ درصد افراد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم هستند. از میان پاسخگویان ۶۳/۸ درصد فعال و ۳۶/۲ درصد غیرفعال بوده‌اند.

ب- توصیف متغیرهای اصلی

اطلاعات جدول شماره (۳) نشان می‌دهد در میان جامعه مطالعاتی میانگین احساس بی-قدرتی (۲/۵۴)، میانگین احساس پوچی و بی‌معنایی (۲/۲۴)، میانگین احساس بی‌هنجاری (۲/۱۶)، میانگین احساس انزوای اجتماعی (۲/۳۰) و میانگین احساس تنفر از خویشان (۱/۹۹) بوده است. در واقع می‌توان استدلال کرد از میان ابعاد بیگانگی، احساس بی‌قدرتی در جامعه مطالعاتی نسبت به سایر ابعاد بیگانگی در سطح بالاتری قرار داشته است.

جدول ۳- مقایسه درصد فراوانی و میانگین مقیاس ابعاد بیگانگی

متغیر	زیاد	متوسط	کم	میانگین
احساس بی‌قدرتی	۶۶/۷	۲۱/۶	۱۱/۷	۲/۵۴
احساس پوچی و بی‌معنایی	۳۸٪	۴۸/۴	۱۳/۵	۲/۲۴
احساس بی‌هنجاری	۲۹/۹	۵۶/۳	۱۳/۸	۲/۱۶
احساس انزوای اجتماعی	۴۱/۱	۴۸/۴	۱۰/۴	۲/۳۰
احساس تنفر از خویشان	۱۰/۴	۷۸/۶	۱۰/۹	۱/۹۹

اطلاعات جدول شماره (۴) نشان می‌دهد میانگین رضایت از زندگی فردی (۲/۳۰) و میانگین رضایت اجتماعی (۲/۲۷) به دست آمده است.

جدول ۴- مقایسه درصد فراوانی و میانگین مقیاس رضایت از زندگی

متغیر	زیاد	متوسط	کم	میانگین
رضایت از زندگی فردی	۳۹/۳	۵۱/۶	۹/۱	۲/۳۰
رضایت اجتماعی	۳۹/۸	۴۸/۲	۱۲٪	۲/۲۷

فرضیه ۱- به نظر می‌رسد با افزایش میزان رضایت از زندگی، بیگانگی در ابعاد مختلف آن در جامعه مطالعاتی کاهش یابد.

اطلاعات جدول شماره (۵) گویای آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با استفاده از ضریب پیرسون، بین رضایت از زندگی و احساس بی‌قدرتی ($r = -0.508$)، احساس بی‌معنایی ($r = -0.578$)، احساس بی‌هنجاری ($r = -0.422$)، احساس انزوای اجتماعی ($r = -0.463$) و احساس تنفر از خویشتن ($r = -0.389$) همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. به عبارتی فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه میان متغیر رضایت از زندگی و ابعاد بیگانگی مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۵- همبستگی دو متغیره بین رضایت از زندگی و ابعاد بیگانگی

ابعاد بیگانگی					Correlations	
احساس تنفر از خویشتن	احساس انزوای اجتماعی	احساس بی‌هنجاری	احساس بی‌معنایی	احساس بی‌قدرتی	Pearson Correlation	رضایت از زندگی
-۰.۳۸۹	-۰.۴۶۳	-۰.۴۲۲	-۰.۵۷۸	-۰.۵۰۸		
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	Sig. (2-tailed)	زندگی

فرضیه ۱-۱ به نظر می‌رسد با افزایش میزان رضایت از زندگی فردی، بیگانگی در ابعاد مختلف آن در جامعه مطالعاتی کاهش یابد.

اطلاعات جدول شماره (۶) گویای آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با استفاده از ضریب پیرسون، بین رضایت از زندگی فردی و احساس بی قدرتی ($r=-0/519$)، احساس بی-معنایی ($r=-0/558$)، احساس بی‌هنجاری ($r=-0/342$)، احساس انزوای اجتماعی ($r=-0/415$) و احساس تنفر از خویشان ($r=-0/408$) همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. در نتیجه فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه میان متغیر رضایت از زندگی فردی و ابعاد بیگانگی مورد تایید قرار می‌گیرد. بیشترین همبستگی رضایت از زندگی فردی با احساس بی‌معنایی به دست آمده است. به عبارتی هر چه احساس رضایت از زندگی کمتر باشد احساس پوچی و بی‌معنایی در فرد بیشتر است.

جدول ۶- همبستگی دو متغیره بین رضایت از زندگی فردی و ابعاد بیگانگی

ابعاد بیگانگی					Correlations	
احساس تنفر از خویشان	احساس انزوای اجتماعی	احساس بی-هنجاری	احساس بی‌معنایی	احساس بی قدرتی		
-۰.۴۰۸	-۰.۴۱۵	-۰.۳۴۲	-۰.۵۵۸	-۰.۵۱۹	Pearson Correlation	رضایت از زندگی فردی
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	Sig. (2-tailed)	

فرضیه ۲-۱- به نظر می‌رسد با افزایش میزان رضایت اجتماعی، بیگانگی در موضوعات و ابعاد مختلف آن در جامعه مطالعاتی کاهش یابد.

اطلاعات جدول شماره (۷) گویای آن است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با استفاده از ضریب پیرسون، بین رضایت اجتماعی و احساس بی‌قدرتی ($r=-0/248$)، احساس بی-معنایی ($r=-0/345$)، احساس بی‌هنجاری ($r=-0/379$)، احساس انزوای اجتماعی ($r=-0/354$) و احساس تنفر از خویشان ($r=-0/161$) همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت H_1 مبنی بر وجود رابطه میان متغیر رضایت اجتماعی و ابعاد بیگانگی مورد تایید قرار می‌گیرد. بیشترین همبستگی رضایت اجتماعی با احساس بی‌هنجاری به دست آمده است. به عبارتی هر چه میزان رضایت اجتماعی کمتر باشد میزان گرایش به رفتارهای ناهنجار و احساس

بی‌هنجاری بیشتر است.

جدول ۲- همبستگی دو متغیره بین رضایت اجتماعی و ابعاد بیگانگی

ابعاد بیگانگی					Correlations	
احساس تنفر از خویشان	احساس انزوای اجتماعی	احساس بی-هنجاری	احساس بی‌معنایی	احساس بی‌قدرتی		
-.۱۶۱	-.۳۵۴	-.۳۷۹	-.۳۴۵	-.۲۴۸	Pearson Correlation	رضایت اجتماعی
...	Sig. (2-tailed)	

فرضیه ۲- متغیرهای فردی و زمینه‌ای همچون سن، جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل، منطقه مسکونی وضعیت مهاجرت و قومیت با میزان رضایت از زندگی رابطه دارند.

جنس:

اطلاعات جدول شماره (۹) نشان می‌دهد بین جنس پاسخگویان و میزان رضایت از زندگی آنان در سطح معنی‌داری (sig) مفروضه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیر جنس و رضایت از زندگی تأیید می‌شود.

جدول ۹- رابطه بین رضایت از زندگی و جنس

آزمون t				آزمون Leven جهت همگنی واریانس‌ها			متغیر وابسته	متغیر مستقل
تفاوت میانگین	معنی داری دو دامنه	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	F		رضایت از زندگی	جنس
۱/۹۶۱	.۱۹۸	۳۸۲	۱/۲۸۸	.۱۵۲	۲/۰۵۶	همگن بودن واریانس		
۱/۹۶۱	.۱۹۹	۳۷۶/۰۱۲	۱/۲۸۷			ناهمگن بودن واریانس		

سن:

-اطلاعات جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۹ درصد و با استفاده از ضریب پیرسون، بین متغیر سن و رضایت از زندگی همبستگی معنی دار وجود ندارد.

جدول ۱۰- همبستگی دو متغیره بین رضایت از زندگی و سن

سن	Correlations	متغیر
.۰۱۲	Pearson Correlation	رضایت از زندگی
.۸۱۱	Sig. (2-tailed)	

وضعیت تأهل:

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین وضعیت تأهل و رضایت از زندگی تفاوت معنی دار وجود ندارد. در نتیجه فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیرها مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۱- تحلیل واریانس متغیرهای رضایت از زندگی و وضعیت تأهل

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
رضایت از زندگی و وضعیت تأهل	بین گروهی	۱۵۱۵.۴۰۷	۳	۵۰۵.۱۳۶	۲.۲۸۹	.۰۷۸
	درون گروهی	۳۳۸۴۰.۰۸۲	۳۸۰	۲۲۰.۶۳۲		
	کل	۳۵۳۵۵.۴۹۰	۳۸۳			

تحصیلات:

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین تحصیلات و رضایت از زندگی تفاوت معنی دار وجود ندارد. در نتیجه فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه میان متغیرها مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۲- تحلیل واریانس متغیرهای رضایت از زندگی و تحصیلات

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
رضایت از زندگی و تحصیلات	بین گروهی درون گروهی کل	۴۹۹.۴۲۲ ۸۴۸۵۶.۰۶۸ ۸۵۳۵۵.۴۹۰	۶ ۳۷۷ ۲۲۵.۰۸۲	.۳۷۰	.۳۷۰	.۸۹۸

وضعیت فعالیت:

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۳) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) وضعیت فعالیت با رضایت از زندگی ارتباط معنی‌دار دارد. در نتیجه فرض H_1 مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول ۱۳- تحلیل واریانس متغیرهای رضایت از زندگی و وضعیت فعالیت

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
رضایت از زندگی و وضعیت فعالیت	بین گروهی درون گروهی کل	۴۵۱۰.۶۵۴ ۸۰۵۴۴.۸۳۵ ۸۵۳۵۵.۴۹۰	۸ ۳۷۵ ۳۸۳	۶۰۱.۳۳۲ ۲۱۴.۷۸۶	۲۸.۰۰	.۰۰۵

وضعیت مهاجرت:

با توجه به اطلاعات جدول شماره (۱۴) بین وضعیت مهاجرت و رضایت از زندگی در سطح معنی‌داری (sig) مفروضه رابطه معنی‌دار وجود ندارند. در نتیجه فرض H_0 مبنی بر عدم وجود رابطه میان دو متغیر تایید می‌شود.

جدول ۱۴- رابطه بین رضایت از زندگی و وضعیت مهاجرت

آزمون t				آزمون Leven جهت همگنی واریانس‌ها			متغیر وابسته	متغیر مستقل
تفاوت میانگین	معنی داری دو دامنه	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	F		رضایت اجتماعی	وضعیت مهاجرت
۳.۱۷۱۸۸	.۰۵۶	۳۸۲	۱.۹۱۴	.۴۹۳	.۴۷۱	با فرض همگن بودن واریانس		
۳.۱۷۱۸۸	.۰۵۶	۲۱۹.۳۰۰	۱.۹۲۸			با فرض ناهمگن بودن واریانس		

منطقه مسکونی:

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۵) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین متغیر رضایت از زندگی و منطقه سکونت ارتباط معنی دار وجود ندارد. در نتیجه فرض H_0 مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول ۱۵- تحلیل واریانس متغیرهای رضایت از زندگی و منطقه مسکونی

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
رضایت از زندگی و منطقه مسکونی	بین گروهی	۶۰۵.۱۵۲	۱	۶۰۵.۱۵۲	۲.۷۲۸	.۰۹۹
	درون گروهی	۸۴۷۵.۳۳۸	۳۸۲	۲۲۱.۸۶۰		
	کل	۸۵۳۵۵.۴۹۰	۳۸۳			

قومیت:

چنانکه اطلاعات جدول شماره (۱۶) نشان می‌دهد بر اساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس (F) بین دو متغیر قومیت و رضایت از زندگی ارتباط معنی دار وجود ندارد. در نتیجه فرض H_0 مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

جدول ۱۶- تحلیل واریانس متغیرهای رضایت از زندگی و قومیت

متغیر	منبع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	تخمین واریانس	F	سطح معنی داری
رضایت از زندگی و قومیت	بین گروهی	۱۱۶۶.۷۰۵	۳	۳۸۸.۹۰۲	۱.۷۵۵	.۱۵۵
	درون گروهی	۸۴۱۸۸.۷۸۴	۳۸۰	۲۲۱.۵۴۹		
	کل	۸۵۳۵۵.۴۹۰	۳۸۳			

رگرسیون چند گانه^۱

به منظور تبیین تاثیرات جمعی و هم زمانی متغیرهای علت بر متغیر تابع از رگرسیون چند گانه استفاده شده است. بر این اساس ضریب تعیین به دست آمده متغیر علت (رضایت از زندگی) حدود ۱۴ درصد از تغییرات متغیر تابع (ابعاد بیگانگی) را تبیین می کند (جدول شماره ۱۷ و ۱۸).

جدول ۱۷- ضریب تعیین پیش بینی کننده ابعاد بیگانگی

مدل	R	(R ^۲)Rsquare
۱	.۳۷۷	.۱۴۲

جدول ۱۸- آزمون معنی داری ضریب تعیین

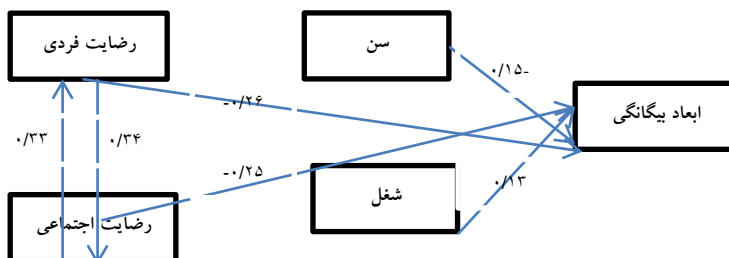
متغیر	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
ابعاد بیگانگی	رگرسیون	۱۱۵۶.۳۱۲	۱۱	۱۰۵.۱۱۹	۵.۶۱۴	۰۰۰
	باقیمانده	۶۹۶۵.۹۲۷	۳۷۲	۱۸.۷۲۶		
	جمع	۸۱۲۲.۲۴۰	۳۸۳			

تحلیل مسیر^۱:

به منظور بررسی تاثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای علت بر متغیر تابع از تحلیل مسیر استفاده شده است. چنانکه ملاحظه می شود متغیر سن دارای بیشترین اثرگذاری کلی بر ابعاد بیگانگی است و اثر کلی آن $0/15$ به دست آمده است.

جدول ۱۹- محاسبه اثرات مستقیم و غیر مستقیم تحلیل مسیر ابعاد بیگانگی

نام متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کلی
رضایت فردی	$-0/26$	$0/34$	$0/8$
رضایت اجتماعی	$-0/25$	$0/33$	$0/8$
سن	$-0/15$	-	$-0/15$
شغل	$0/13$	-	$0/13$



مدل ۱- مدل علی مسیر اشکال بیگانگی

نتیجه گیری

یکی از آسیب‌هایی که از گذشته مورد توجه صاحب نظران در حوزه علوم انسانی بوده است مساله بیگانگی در ابعاد مختلف آن است. این آسیب به ویژه امروزه با توجه به تغییرات گسترده در جوامع به ویژه در زمینه ارزشی و فرهنگی بیش از گذشته مشهود است. از اینرو سنجش این موضوع در میان اقشار مختلف یک جامعه و بررسی عوامل موثر بر آن از اهمیت

بسیاری برخوردار است. در این مقاله از میان عوامل تاثیرگذار بر اشکال بیگانگی، رضایت از زندگی مورد توجه قرار گرفت. چرا که رضایت مندی از زندگی زمینه‌ساز تسری رضایت به حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و برعکس کاهش رضایت از زندگی، آثار فراوانی در سطح خرد، میانه و کلان خواهد داشت. از اینرو تاثیر این متغیر در دو بعد فردی و اجتماعی و با استفاده از نظریات فردینبرگ و اینگلهارت مورد بررسی قرار گرفت. برای سنجش ابعاد بیگانگی نیز از نظریه سیمن استفاده شد که ابعاد بیگانگی با توجه به این نظریه در پنج بعد احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خویشان بررسی گردید.

نتایج این مطالعه نشان داد در بعد فردی میانگین رضایت از زندگی (۲/۳۰) با اندکی تفاوت بیش از رضایت اجتماعی (۲/۲۷) بوده است و از میان ابعاد بیگانگی، احساس بی‌قدرتی در جامعه مطالعاتی نسبت به سایر اشکال بیگانگی در سطح بالاتری قرار داشته است. میانگین احساس بی‌قدرتی (۲/۵۴)، میانگین احساس پوچی و بی‌معنایی (۲/۲۴)، میانگین احساس بی-هنجاری (۲/۱۶)، میانگین احساس انزوای اجتماعی (۲/۳۰) و میانگین احساس تنفر از خویشان (۱/۹۹) به دست آمده است.

نتایج تحقیق همچنین نشان داد بین رضایت از زندگی فردی و تمامی ابعاد بیگانگی همبستگی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. بیشترین همبستگی رضایت از زندگی فردی با احساس بی‌معنایی ($r=-0/558$) به دست آمد. همچنین بین رضایت از زندگی اجتماعی و تمامی ابعاد بیگانگی نیز همبستگی معنی‌دار و معکوس نشان داده شد و بیشترین همبستگی میان رضایت اجتماعی با احساس بی‌هنجاری ($r=-0/379$) به دست آمد.

در میان متغیرهای زمینه‌ای فقط میان وضعیت فعالیت و رضایت از زندگی رابطه معنی‌دار به دست آمد و در مورد رابطه سایر متغیرهای زمینه‌ای با رضایت از زندگی فرض H_0 مورد پذیرش قرار گرفت.

مقدار R^2 بیانگر آن است که در خصوص اشکال بیگانگی ۰/۱۴ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل وارد شده در تحلیل قابل تبیین بوده است.

پیشنهادات تحقیق

- با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر نشان داد رضایت از زندگی عامل تاثیرگذاری بر میزان بیگانگی در ابعاد مختلف آن است، لازم است برای افزایش این متغیر در میان شهروندان برنامه‌ریزی مناسبی در زمینه‌های مختلف و با در نظر گرفتن ویژگی‌های گروه‌های جمعیتی صورت گیرد چرا که برنامه‌های کلی و بدون در نظر گرفتن نیاز و شناخت مخاطب نمی‌تواند نتیجه مطلوبی به دنبال داشته باشد. از جمله پیشنهاداتی که می‌توان در این زمینه مطرح کرد مواردی همچون ایجاد امکانات رفاهی مناسب و توزیع امکانات به شکل عادلانه، فراهم نمودن زمینه جهت استفاده مطلوب از اوقات فراغت، ایجاد شغل و افزایش درآمد، تولید برنامه‌هایی جهت تقویت ارتباط در گروه‌های اولیه و ثانویه، افزایش مهارت‌های زندگی با استفاده از ابزار رسانه‌ای و مراکز فرهنگی همچون فرهنگ‌سراها و... قابل توجه است. افزایش رضایت از زندگی پیامدهای مثبتی خواهد داشت که از جمله می‌توان به امید به آینده اشاره نمود. این امید با افزایش رضایت از زندگی بی‌تردید می‌تواند با تغییر نگرش در افراد از بسیاری آسیب‌ها از جمله بیگانگی جلوگیری نموده و یا باعث کاهش آن گردد.

- با توجه به اینکه در میان متغیرهای زمینه‌ای وضعیت فعالیت با رضایت از زندگی رابطه معنی‌دار داشته است این نشان می‌دهد داشتن کار و نوع شغل افراد با توجه به امتیازات و امکاناتی که برای فرد به ویژه در جهت رفع نیازها فراهم می‌سازد، عامل موثری بر افزایش رضایت از زندگی و از سویی کاهش آسیب‌های اجتماعی از جمله بیگانگی است. لذا باید مسوولان مرتبط در خصوص کاهش بیکاری در جامعه که امروز به عنوان یک آسیب اجتماعی مطرح است اقدامات اصولی و لازم را انجام دهند چرا که عدم توجه به این متغیر می‌تواند جامعه را با آسیب‌های جدی در بخش‌های مختلف مواجه نماید.

- با توجه به اینکه تحقیقات انجام شده در رابطه با موضوع بیشتر کمی بوده است پیشنهاد می‌شود ضمن انجام فرا تحلیلی با روش‌های کیفی نیز این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا نتایج و اطلاعات عمیق‌تری حاصل شود.

- تکرار مطالعات به رویی و پایایی تحقیق و اطمینان از خلوص یافته‌ها کمک می‌کند.

منابع

- ۱- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ۲- ابراهیمی لویه. عادل و همکاران (۱۳۹۳)، «بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن» (مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهرستان خدابنده)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۱۷-۱.
- ۳- برزگر، لیلا (۱۳۸۶)، «سنجش میزان احساس خوشبختی شهروندان» پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه الزهرا.
- ۴- بیانی، علی اصغر، کوچکی، عاشور و حسینی گودرزی (۱۳۸۶)، اعتبار و مقیاس رضایت از زندگی، فصلنامه روانشناسان ایرانی، شماره یازدهم، ۲۵۹-۲۶۵.
- ۵- بخشی پور رودسری، ع؛ و دیگری (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان. مجله اصول بهداشت روانی، دوره ۷، شماره ۲۸-۲۷، صص ۱۵۲-۱.
- ۶- توفیقیان فر، علی حسن، حسینی، سید احمد (۱۳۹۱)، «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن» (نمونه: جوانان شهر یاسوج)، فصلنامه مطالعات جامعه-شناختی جوانان، سال سوم، شماره هشتم، زمستان، صفحات ۵۸-۴۵.
- ۷- حسین زاده. علی حسین و همکاران (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر بیگانگی از کار»، (مورد مطالعه، کارکنان پتروشیمی بندر ماهشهر)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۲.
- ۸- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش.
- ۹- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۸)، سرطان اجتماعی فساد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۰- رضایی، مریم و همکاران (۱۳۹۴)، عوامل اجتماعی مؤثر بر بیگانگی اجتماعی زنان شاغل شهر خرم آباد، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶۳، سال شانزدهم، ص ۸۳-۱۰۰.
- ۱۱- رسولی، زهره (۱۳۸۵)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی.

- ۱۲- رنگین کمان، امیر(۱۳۸۶)، رضایت از زندگی، فصلنامه راهبرد، شماره چهل و پنجم، ۲۰۸-۱۸۵
- ۱۳- شیرمحمدی، لیلا، میکائیلی منبع، فرزانه، زارع، حسین(1389)، رابطه سخترویی، رضایت از زندگی و امید با عملکرد تحصیلی دانشجویان، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال پنجم، شماره 20، صص 129 - 151.
- ۱۴- شیخی، منصوره، هومن، حیدرعلی، احدی، حسن و مژگان سپاه منصور(۱۳۹۰)، مشخصه های روان سنجی مقیاس رضایت از زندگی، فصلنامه اندیشه و رفتار در روانشناسی، شماره نوزدهم، صص ۱۷-۲۹.
- ۱۵- صفدری، سلمان(۱۳۷۴)، رضایت اجتماعی و عوامل موثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- علی بابایی، یحیی و بهمن باینگانی(۱۳۹۰)، بررسی تاثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی (مطالعه جوانان شهرستان پاره)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره دوازدهم، ۱۷-۳۶.
- ۱۷- گار، تد رابرت(۱۳۷۷)، چرا انسان ها شورش می کنند، ترجمه: علی مرشدی راد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۸- محسنی تبریزی، علیرضا و حیدری، مهلقا(۱۳۹۰)، بررسی تاثیر امنیت اجتماعی بر میزان رضایت از زندگی در میان دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و مدیریت دانشگاه آزاد تهران شمال)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره دهم، ۱۰۳-۱۳۶.
- ۱۹- محسنی تبریزی، علیرضا(۱۳۸۲)، آسیب شناسی بیگانگی، اجتماعی- فرهنگی، بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۸۲.
- ۲۰- محسنی تبریزی، علیرضا(۱۳۷۹)، مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته های یک تحقیق، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص ۱۹۳-۲۲۷.

- ۲۱- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، بیگانگی، مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوریه‌ها و حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی، نامه علوم اجتماعی، ج ۲، شماره ۲، ص ۲۷-۲۹.
- 22- Balachandran, M.Raakhee. A.S. and Sam Sananda Raj. H. (2007) "Life Satisfaction and Alienation of Elderly Males and Females", *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology* ,, Vol. 33, No.2, 157 – 160.
- 23- Ferdenberg, E. (1983). *Coming of Age in American*; New York Vintage books.
- 24- Osin, Evgeny (2009) "Subjective Experience of Alienation: Measurement and Correlates more ", *Existenzanalyse* , 29, Vol 1 ,4 -11.
- 25- Seeman, M (1975): "Alienation Studies", *Annual Review of Sociology*. pp: 91-123.
- 26- Seeman , M. (1959). " On the Meaning of Alienation" *ASR*. 24 : 783-791.
- 27- Swami, Viren & Chamorro – Premuzic. Tomas , (2008), *Psychometric Evaluation of the Malay Satisfaction With Life Scale*, Springer Science + Business Media B. V. pp 25 – 33.
- 28- Tanuja, Mohapatra (2010). "Life satisfaction and alienation of elderly males and females: an empirical study in Odisha", *Asian Journal of Development Matters* , Vol4, Issue 3
- 30- Veenhoveen. R (2003) *Happiness*, *The Psychologist*, vol.16. pp.99-129.